



دانشگاه پیام نور مرکز تهران

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد (M.A) تاریخ

گرایش: ایران دوره اسلامی

عنوان:

نقش ایلات قزلباش در تشدید و تضعیف قدرت حکومت صفوی

استاد راهنما:

آقای محمد رضا نصیری

استاد مشاور:

خانم دکتر گلناز سعیدی

نگارش:

سجاد نظری

تاریخ ارائه: پاییز 88

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده	
مقدمه	
فصل اول : بررسی منابع و ماخذ	۱
فصل دوم : خاستگاه ایلات قزلباش	۹
فصل سوم : قزلباشان و صفویان پیش از قدرت گیری	۳۰
فصل چهارم : قزلباشان در ساختار هرم قدرت صفوی	۴۶
فصل پنجم : رابطه قزلباشان و صفویان پس از تشکیل حکومت صفوی	۶۱
_اقتدار قزلباشان و اقتدار صفویه	
_اقتدار قزلباشان و ضعف صفویان	
_ضعف صفویان و ضعف صفویه	
_ضعف قزلباشان و اقتدار صفویان	
نتیجه گیری	۱۵۶
منابع و ماخذ	۱۵۸

چکیده

آنچه که با بررسی ارتباط میان قزلباشان و خاندان صفوی پیش از تشکیل حکومت، عاید می شود، آنست که خاندان صفوی با کشف پتانسیلی با نام ایلاتی که بعدها قزلباش نامیده شدند، پشتیبانی را برای خویش فراهم آوردند که، بدین وسیله توانستند در سال 907 ه. به قدرت دست یابند. ارتباط صفویان و قزلباشان پیش از قدرت گیری آسان می نماید که قزلباشان تقریباً به طور کامل تسلیم محض خاندان و طریقت صفوی بودند، اما پس از تشکیل حکومت این ارتباط شکل پیچیده تری به خود گرفت.

ارتباط میان خاندان صفوی و قزلباشان را می توان به چهار گونه تقسیم بندی کرد؛ 1- تأثیر قزلباشان در اقتدار صفویان 2- تأثیر اقتدار قزلباشان در ارتباط با تضعیف حکومت صفوی 3- تأثیر ضعف قزلباشان در اقتدار صفویان 4- تأثیر ضعف قزلباشان در تضعیف حکومت صفوی

منظور از چهار تقسیم بندی که در بالا مطرح شد، آنست که تا چه اندازه اقتدار و ضعف قزلباشان در اقتدار و تضعیف حکومت صفویه دخیل بوده است؟ که پس از کنکاش در این باره این نتیجه حاصل می شود که پس از تشکیل حکومت صفوی تنها در یک مورد و آن هم دوره نخست حکومت شاه اسماعیل اول اقتدار قزلباشان (در جایگاه خود) موجب اقتدار حکومت صفوی شد و در باقی موارد ایلات قزلباش با استفاده نابجا از قدرت خویش و همچنین، قرار داشتن در موضع ضعف نقش مثبتی را در حکومت صفویه ایفا نکردند.

واژگان کلیدی

Ustajlu tribe / Afshar tribe / Political role / Takalu tribe / Zulghadre tribe / Rumlu tribe / Shamlu tribe / Qajar tribe / Jalali tribe / Gharamanlu tribe / Tribes / Safavid

ایران پس از اسلام شاهد فرار و نشیب های فراوانی در حوزه قدرت و حکومت هاست. جدای از سلطه تقریباً دو سده اعراب مسلمان در ایران ، در سده های نخستین اسلامی ، چند سلسله ایرانی در ایران به قدرت رسیدند که البته گستره کمی از سرزمین بزرگ ایران را زیر سیطره خود در آوردند و حتی حکومت نسبتاً قدرتمند آل بویه تمام ایران را به زیر سلطه خویش در نیارود

با ورود ترکان ماوراء النهر به دستگاه سامانیان و رسیدن آنها به جایگاه های سپهسالاری زمینه تشکیل حکومت ترک نژاد غزنوی را فراهم آوردند و این آغازی بود بر تحولات تاریخ ایران ، که پس از آن بسیاری از حکومت های ترک تبار بر اریکه قدرت تکیه زدند.

پس از غزنویان، سلجوقیان روی کار آمدند که تفاوتش با غزنویان آن بود که ، آورندگان این حکومت افراد ایلات بودند و این خود زمینه را برای حضور فعال ایلات کوچ نشین، که از آن پس نقش بسیار فعالی را باز کردند، بوجود آورد.

حکومت های خوارزمشاهیان، آق قویونلوها و قراقویونلوها نیز تا حدودی همان راهی را که سلجوقیان رفته بودند، البته هر یک با تفاوت های مخصوص به خود، آنها نیز رفتند.

اما در سال 907 هـ . حکومتی روی کار آمد که به لحاظ بنیادی تفاوت هایی با این حکومتها داشت . کسانی که به عنوان حکومت گران صفوی شناخته می شدند، دارای خاستگاه و تبار ایلیاتی نبودند، بلکه تا چند نسل پیش از آنها به عنوان مرشد در خانقاه اردبیل سکونت داشتند و گویا جدشان که شخصی به نام فیروزشاه زرین کلاه بوده باشد در یکی از لشکرکشی ها در آنجا سکونت گزیده بود.

یکی دیگر از تفاوت های میان حکومت صفوی با حکومت های پیش از خود ، داشتن ایدئولوژی پویایی به نام تشیع بود که تأثیر بسیاری در فرهنگ مردمان ایران و تحولات پس از آن حکومت به جا گذاشت.

زمانی که سخن از حکومت صفوی به میان می‌آید، ناخود آگاه واژه "قزلباش" در ذهن خطور می‌کند و آن بدان دلیل است که ایلات قزلباش، آورندگان و تا حدود زیادی قوام دهندگان این حکومت بودند.

در این پژوهش تلاش می‌شود که نقش قزلباشان در تحولات حکومت صفوی مورد ارزیابی قرار بگیرد و تأثیرات مثبت و منفی آن بر قدرت صفویان مشخص شود. البته جدای از بررسی این تأثیر گذاریها، مسائل دیگری را در ارتباط با قزلباشان و رابطه آنها با صفویان مورد بازنگری قرار می‌گیرد و برخی از مسائلی که به عنوان بدیهیات تاریخ صفویان شناخته می‌شوند، دوباره مورد واکاوی قرار می‌گیرد و در حد توان، صحت یا نادرستی آنها مشخص می‌شود.

فصل اول

1-1- تعریف مسأله و بیان سؤالهای اصلی تحقیق

تاریخ ایران پس از اسلام بویژه با ورود ایلات ترک، شاهد حضور حکومت‌هایی با منشاء، ایللیاتی است؛ که مهمترین پشتیبان آنان همین عشایر کوچنده بودند. ایلات ترک که از دو طرف حکومت‌ها پشتیبانی می‌شدند در اطراف و اکناف فلات ایران پراکنده شدند و توانستند از میان طوایف غیر ترک همپیمانانی را پیدا کنند و اتحادیه‌های ایللیاتی بزرگ و کوچکی را پدید آورند و شاید یکی از دلایلی که سبب حکومت طولانی ترکان در ایران شد همین دلیل باشد. البته حکومت صفویان از این نظر که هیچ‌گونه وابستگی از نوع نسبی و عشیره‌ای با طوایف پشتیبان خود نداشت، آنرا از دیگر حکومت‌های ترک پیش از خود متمایز کند؛ وابستگی و رابطه آنها از نوع مراد و مریدی بود.

در این پژوهش تلاش بر اینست که در آغاز به بررسی خاستگاه ایلات قزلباش و منطقه آناتولی و نحوه مهاجرت آنها در جهت پشتیبانی از خاندان صفوی پرداخته شود. بررسی چگونگی ایفای نقش در میان ایلات مختلف و روند قدرت سیاسی در میان آنان از بخش‌های عمده این تحقیق می‌باشد. همچنین بحرانهای داخلی ایلات و تأثیر آن بر اوضاع سیاسی، رقابت ایلات با یکدیگر بر سر کسب موقعیت برتر و انشعاب و تجزیه ایلات بزرگتر به عنوان نمونه کنش‌های سیاسی آنان، موضوعات دیگری است که در این پژوهش از آنها سخن می‌رود.

در این میان به بررسی رابطه و توازن قدرت قزلباشان و صفویان پرداخته می‌شود؛ بدین معنی که آیا تضعیف قدرت قزلباشان موجب قدرتمندی صفویان می‌شد یا ضعف آنها.

پس از آن به بررسی نهادها و سازمان‌هایی که قزلباشان مسئولیت اداره آنها را به عهده داشتند، پرداخته می‌شود؛ مانند مقام‌های للگی، سپهسالاری، خلیفگی و ...

در پایان این تحقیق تلاش می‌شود که نحوه و دلایل کنار زدن قزلباشان از اریکه قدرت در زمان شاه عباس اول مورد کنکاش قرار گیرد.

2-1- سؤال تحقیق

آیا اقتدار ایلات قزلباش، پس از تشکیل حکومت صفوی به سود حکومت صفوی خاتمه یافت؟

3-1- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

این پژوهش بدان دلیل انجام می‌گیرد که قرن چهارم به بعد تا آغاز حکومت پهلوی قبایل نقش عمده‌ای در عرصه سیاسی داشتند.

4-1- فرضیه‌ها

بدلیل آنکه قزلباشان مرید خاندان صفوی بودند، پس اقتدارشان نیز به سود حکومت صفویان بوده است.

5-1- منبع شناسی

مدخل

با دقت در منابع مختلف تاریخی بویژه منابع دسته اول و نزدیک به رویداد تاریخی می‌توان بسیاری از واقعیت‌های تاریخی را با وضوح بیشتری مورد ارزیابی قرار داد. علم تاریخ این پتانسیل را دارد که در هر لحظه و زمانی و با پیدایش یک سند تاریخی و یا بررسی اسناد از زوایایی که کمتر مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته‌اند، تحولی در رویدادهای تاریخی بوجود آورد.

البته در بررسی و بکارگیری منابع تاریخی باید دقت فراوانی به خرج داد که بسیاری از منابع مورد رجوع مورخان یا ارزش استناد ندارد و یا اصالت سند مورد تشکیک است و یا به دلایلی مختلف دیگر نمی‌توان از آنها به عنوان سند معتبر استفاده کرد.

تاریخ جهانگشای خاقان

نویسنده این اثر نامعلوم است. این اثر که بین سالهای 955-948 ه. تألیف شده است، به صورت نسبتاً مفصلی به زندگانی شاه اسماعیل اول پرداخته است و حتی درباره نیاکان و اجداد شاه اسماعیل نیز توضیحاتی داده است. مورد استفاده این کتاب در رساله حاضر، بیشتر دوران پیش از تشکیل حکومت صفوی و بویژه سکونت اسماعیل در لاهیجان و تلاشهای وی و قزلباشان برای تشکیل حکومت صفوی می باشد.¹

عالم آرای صفوی

نویسنده این اثر نامعلوم است. مهمترین مشکل این اثر شکل روایی و داستان سرایی می باشد اما بدلیل آنکه ریز حوادث را بازگو کرده است دارای اهمیت است. به همین دلیل در این رساله، هر جا که نیاز به ذکر روایت و آوردن مدعا و شاهد بوده است، همراه با احتیاز و تحلیل، از این اثر استفاده شده است. بویژه دوران پیش از قدرت گیری صفویان و اوایل تشکیل حکومت صفوی مورد استفاده این رساله شده است.²

1- این کتاب در سال 1364 هجری شمسی توسط مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان با یک مقدمه از سلسله صفویه و با عنوان جهانگشای خاقان و بدون هیچ حواشی و تعلیقات به چاپ رسیده است.

2- نام دیگر این اثر عالم آرای شاه اسماعیل است. این کتاب با نام عالم آرای صفوی به تصحیح یدالله شکری و عالم آرای شاه اسماعیل توسط اصغر منتظر صاحب به چاپ رسیده است.

تاریخ ایلچی نظامشاه

نویسنده این اثر خورشاه بن قبادالحسینی می باشد. آن بخش از این اثر که به چاپ رسیده است، بدلیل تحلیل هایی که بر حوادث دروه صفویه آورده شده است، در جای جای این رساله مورد رجوع بوده است. هر چند که نویسنده این اثر به جزئیات کمتر پرداخته است ولی بدلیل حالت تحلیل گونه اش مورد مناسبی برای استفاده می باشد. در این رساله، بیشتر به حوادثی که پس از 907 تا 972 هـ. روی داده است، از این کتاب استفاده شده است.¹

تذکره الملوک

این اثر توسط شخصی به نام میرزا سمیعا به رشته تحریر در آمده است. مورد استفاده این اثر در رساله حاضر، بیشتر به فصل چهارم به نام ((قزلباشان در ساختار هرم قدرت صفوی)) مربوط می شود که این اقدام بدان دلیل می باشد که این کتاب منبع مناسبی برای آشنایی با ساختار حکومت و شیوه اداره حکومت صفویان می باشد. مورد استفاده دیگر این کتاب، تعلیقاتی است که مینورسکی بر آن آورده است، که در بخش های مختلف این رساله از نوشته های مینورسکی بهره برداری شده است.²

احسن التواریخ

نویسنده این اثر شخصی است به نام حسن بیگ روملو، که خودش یکی از افراد ایل قزلباش روملوست. مهمترین و پر کاربردترین منبعی که در این رساله به کار برد شده است، همین کتاب احسن التواریخ است، که در فصل های مختلف این پژوهش (جدای از فصل چهارم) به صورت گسترده مورد استفاده قرار گرفته شده است. دلیل استفاده گسترده از این منبع در اینجا، دسته بندی

1- این کتاب با عنوان تاریخ ایلچی نظامشاه، با تصحیح محمد رضا نصیری و کوئیچی هانه دا از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در سال 1379 به چاپ رسیده است.

2- تذکره الملوک، همراه با تعلیقات مینورسکی، در سال 1368 توسط انتشارات امیر کبیر چاپ شده است.

منظمی است که از رویدادهای دوران صفویه به صورت ذکر رویدادها در قالب سالها انجام گرفته و همچنین بکارگیری تحلیل (هر چند اندک) ، ذکر رویدادهایی با درجات (در ظاهر) پایین و تلاش مؤلف برای حفظ بی طرفی (هر چند که در برخی مواقع نتوانسته است که این بی طرفی را رعایت نکند).¹

عالم آرای امینی

نویسنده این کتاب فضل الله روزبهان خنجی می باشد. اهمیت این اثر بدان دلیل می باشد که نویسنده آن جزو مخالفان خاندان صفوی است و حتی با وجود آنکه با دیده نفرت (در برخی مواقع) به رویدادهای مربوط به صفویان پرداخته است، اما می توان از آن به عنوان اثری منتقدانه استفاده کرد. در رساله حاضر، به همین دلیل در جاهای مختلف و هر جا که نیاز شده است، به این اثر رجوع شده است.²

عالم آرای عباسی

نویسنده این اثر اسکندربیگ منشی ترکمان است. دلیل استفاده از این اثر آنست که ، با وجود آنکه نویسنده اثر خود از اعضای ایلات قزلباش بوده است، اما بدلیل آنکه زمان نگارش این اثر مربوط به دوره پادشاهی شاه عباس اول و افول قدرت قزلباشان بوده است، نشانه های جانبداری از قزلباشان را در ذکر رویدادها کمتر می توان دید.

مورد استفاده این اثر در رساله حاضر بیشتر در محدوده زمانی حکومت اسماعیل دوم تا یک سال نخست حکومت شاه عباس اول می باشد. البته صورت پراکنده در جاهای مختلف این پژوهش، عالم آرای عباسی مورد رجوع بوده است.³

1- این اثر که در آغاز و به سال 1349 خورشیدی به تصحیح عبدالحسین نوایی از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب به چاپ رسیده است.

2- این اثر به کوشش مسعود مشرفی توسط انتشارات خانواده در سال 1379 خورشیدی به چاپ رسیده است.

3- این اثر ابتدا چاپ سنگی شده و در سال 1334 خورشیدی از سوی ایرج افشار در دو جلد چاپ شده است. اخیراً دنیای کتاب در سال 1377 این اثر را در سه جلد به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی چاپ و منتشر شده است.

حبیب السیر فی اخبار افراد بشر

نویسنده این اثر غیاث الدن هماد الدین الحسینی معروف به خواند میر می باشد. با وجود آنکه این اثر در زمان پادشاهی شاه اسماعیل اول تألیف شده است، اما به دلایلی چند، در این رساله کمتر مورد استفاده بوده است و تنها در چند مورد و بصورت پراکنده ارجاعاتی از این کتاب صورت گرفته است.¹

جهان آرای عباسی

نویسنده این اثر محمد طاهر وحید قزوینی می باشد. این کتاب که در حقیقت در زمان شاه عباس دوم و برای وی نگاشته شده است، اما بدلیل آنکه به صورت نسبتاً مختصری به وقایع تاریخ صفویه پیش از شاه عباس دوم و به معرفی جایگاه برخی از افراد ایلات نیز پرداخته، بصورت پراکنده و اندک مورد ارجاع بوده است.²

این اثر که به ذکر خاطرات افرادی همچون جوزافا بابارو، آمبروزیو کنتاریتی، کاترینو زنو، آنجللو و وینچستودالساندری پرداخته است، بدلیل رعایت بی طرفی میان طرفین رقیب در درباره صفوی دارای اهمیت است و در چند مورد و در جهت آوردن مدعا، در این رساله از این کتاب استفاده شده است.³

1- این اثر به کوشش محمود دبیر سیاقی در سال 1353 توسط انتشارات کتابفروشی خیام منتشر شده است.

2- این اثر به کوشش سید سعید میر محمد صادق توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی چاپ شده است.

3- این اثر با ترجمه منوچهر امیری و در سال 1349 خورشیدی، بوسیله انتشارات خوارزمی، چاپ شده است.

1-6- ساختار رساله

رساله حاضر در بررسی نقش ایلات قزلباش در فراز و فرود قدرت صفویان انجام می گیرد که این مکتوب به پنج فصل منقسم شده است.

در فصل نخست، بیان مسأله، سؤالات تحقیق، فرضیات تحقیق و . . . مطرح می شود.

در فصل دوم، خاستگاه ایلات قزلباش مورد بررسی قرار می گیرد که در اینجا منظور از خاستگاه، خاستگاه ها و نژادی و سرزمینی می باشد و به تفصیل به معرفی تمامی ایلات قزلباش پرداخته می شود و پیش از معرفی این ایلات با تحلیل هایی چند خاستگاه نژادی آنها مورد بررسی قرار می گیرد.

در فصل سوم، ارتباط میان ایلات قزلباش و خاندان صفوی پیش از تشکیل حکومت در سال 907 هـ. مورد کنکاش قرار می گیرد.

در فصل چهارم که مهمترین فصل این رساله است به چهار بخش می شود.

در بخش نخست اقتدار ایلات قزلباش سبب اقتدار صفویان می شود. بدین معنی که سپردن حکومت به سران قزلباش که در عین حال، ایلات قزلباش بدلالی در اوج اقتدار خویش بودند، به سود حکومت پایان یافت و آنها از اقتدار خویش در جهت مثبت آن یعنی تثبیت و افزایش قدرت صفویان استفاده کردند که مدت زمان آن از زمان تشکیل حکومت صفوی (سال 907 هـ.) تا آغاز سال جنگ چالدران (سال 920 هـ) بود.

بخش دوم این تقسیم بندی اختصاص پیدا می کند به بررسی تأثیر اقتدار قزلباشان در ضعف حکومت صفویه در این بخش این موضوع مورد کنکاش قرار می گیرد که چگونه اقتدار قزلباشان، در برهه ای از زمان، توانست تضعیف قدرت صفویان شود و همچنین چطور شد که قزلباش ها از قدرت خود این استفاده منفی را کردند؟

زمان مورد نظر برای این بخش جدای از زمانی است که برای بخش نخست در نظر گرفته شده است که مربوط است به دوره نخست حکومت شاه تهماسب، سرتاسر حکومت شاه اسماعیل دوم و سلطان محمد خدابنده.

بخش سوم مربوط می شود به بررسی تأثیر ضعف قزلباش ها در اقتدار صفویان. در اینجا زمانی مورد بررسی قرار می گیرد که قزلباشان در موضع ضعف قرار داشتند و ما می خواهیم بدانیم که این ضعف چگونه به سود صفویان پایان یافت. دوره مورد بررسی مربوط می شود به دوره حکومت شاه تهماسب اول.

در بخش چهارم و پایانی تأثیر ضعف قزلباشان بر تضعیف شدن حکومت صفوی مورد بررسی قرار می گیرد و اینکه چگونه است که ضعف قزلباش ها تأثیر منفی بر قدرت صفویان می گذارد. دوره زمانی مورد بررسی محدود می شود به دوره دوم حکومت شاه اسماعیل اول (920-930 هـ)

در فصل پنجم قزلباشان را در هرم ساختار قدرت صفوی مورد بررسی قرار می دهیم و جایگاه آنان در نهادهای مختلف حکومتی مشخص می شود.

فصل دوم

خاستگاه ایلات قزلباش

((آناتولی یا آسیای صغیر یا روم که از سه طرف به دریا و از جانب شرق به رودخانه هالیس، که این ایام قزل ایرماق نامیده شده و کوه توروس محدود می‌باشد، شامل است به همه ممالک ده نفر امرای (...))¹

این تعریف و محدوده‌ای است که از منطقه آناتولی می‌شود؛ منطقه‌ای که عموماً از آن بعنوان خاستگاه سرزمینی قزلباشان پشتیبان حکومت صفوی یاد می‌شود. علاوه بر آناتولی پیروان قزلباش صفوی از مناطق و شهرهای دیگری به مانند دیار بکر، موصل و... نیز بر خاسته‌اند که در سده‌های نخستین اسلامی، اعراب آنجا را جزیره ابن عمر نامیدند و حاکمیتش میان سه طایفه مزار، ربیع و بکر تقسیم شده بود و آنچه که دیار بکر نامیده می‌شود و پایتخت قراقویونلوها بود، برگرفته از نام طایفه بکر می‌باشد و مرکز این منطقه شهر آمد است که ترکمن‌های ساکن آنجا، آمد را قره حمید نیز می‌نامیدند.

امروزه آنچه که در تاریخ صفویه رایج و مصطلح است، ترک نامیدن طوایف قزلباش است و اینکه ایلات قزلباش را طوایف ترک پشتیبان حکومت صفوی می‌نامند. در اینجا است که این پرسش پیش می‌آید که آیا همه ایلات پشتیبان خاندان صفوی دارای خاستگاه قومی ترکی بوده‌اند؟

پاسخ دادن به این پرسش نیازمند پژوهش و تحقیق بسیار دقیق است و حتی این امکان وجود دارد که با انجام دادن تحقیق‌های بسیار دقیق نیز به نتیجه مطلوب دست پیدا نکنیم. سابقه اینگونه پژوهشها به دوران معاصر و جنبه علمی پیدا کردن رشته تاریخ بر می‌گردد. مهمترین پژوهشی که در مورد خاستگاه قومی قزلباشان صورت پذیرفته است، مربوط است به دانشمند ترکیه‌ای و ترک شناس معروف، فاروق سومر، که در کتابی با عنوان "نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی" به این موضوع پرداخته است.

1- پورگشتال، هامر، تاریخ امپراطوری عثمانی، ترجمه زکی مازندارنی، 1387، انتشارات اساطیر، جلد اول، ص 39

منابع دست اول مربوط به دوره صفویه ، معمولاً در این باره اطلاعات چندانی در اختیار ما قرار نمی‌دهند؛ اما با بررسی‌های بسیار دقیق و توجه به نامهای اشخاص فعال در تحولات عصر صفوی و برخی اشارات دیگر، نتایجی بدست می‌آید.

((ایل واژه ای ترکی - مغولی است که هم به جای اسم و هم به جای صفت به کار می‌رود و معنی آن انقیاد، صلح ، قوم ، طایفه ، ملت، رعیت و مردم می‌باشد.))¹

قزلباش که تنها برای حامیان خاندان صفوی بکار برده می‌شود به معنای سرخ سر است ولی در اصطلاح به کسی گفته می‌شد که دارای یک کلاه سرخ بر سر ، که دارای دوازده ترک به نشانه دوازده معصوم و دارای اعتقادات مشخصی بود که پیرو خاندان صفوی شناخته می‌شد.

پیوستن مریدان صفوی که بعدها قزلباش خوانده می‌شدند، بتدریج صورت پذیرفت . در اینجا تلاش خواهیم شد ، شکل گیری کلاه قزلباش که در حقیقت زمان انسجام و هدفمندی بیشتر آنان برای رسیدن به یک هدف خاص است مورد بررسی قرار گیرد.

شیخ حیدر این موضوع را به خوبی درک کرده بود که برای حضور گسترده در عرصه سیاسی آن روز و همچنین کسب قدرت به کسانی نیاز دارد که به طور دائم در اختیار او باشند و در هر موقع و هر زمانی که خواست، حمله‌هایی را با بهانه‌های مختلف داشته باشد . در حقیقت و در تعریف امروزی او دست به تشکیل یک ارتش نسبتاً دائمی زد؛ با این تفاوت که آنان سربازانی بودند بدون مزد و موجب که سر سپردهٔ مرشد کامل خود بودند و حتی در مواقعی که جنگی رخ نمی‌داد، به شیوه‌هایی دیگر این مریدان در خدمت مرشد خود بودند.

شیخ حیدر برای دست پیدا کردن به قدرت و نظم دادن به مریدان خود ، در جهت شکل دهی به آنها و تبدیل آنها به یک سپاه شبه نظامی ، نیاز به بهانه‌هایی داشت ، که از بعد فکری جهان آن روز و

1- دایرة المعارف فارسی مصاحب، جلد اول ، صفحه 345. به نقل از افشار سیستانی، ایرج، 1381، مقدمه ای بر شناخت ، ایلها ،

چادرنشینان و طوایف عشایری ایران، انتشارات ثامن الائمه، ج 1، ص 5

به ویژه در میان مریدان شیعه خود، جواب دهی خوبی داشته باشد و مریدان را با یقینی استوارتر آماده خدمت به مرشد خود بکند. لذا او دست به داستان سازی زد و از ائمه معصومین مایه گذاشت.

((سلطان حیدر شبی در خواب دید که شهریار مسند هدایت ولایت حضرت امیر المؤمنین (ص) ظاهر گشته ، فرمودند که ای فرزند! وقت آن شده که از عقب تو فرزند شما خروج کند و کاف کفر را از روی عالم براندازد و اما می باید که از برای صوفیان و مریدان خود تاجی بسازی از سقرلات سرخ و آن حضرت مقراض در دست داشت و هیئت تاج را برید و به دوازده ترک قرار داد . چون سلطان حیدر بیدار شد، آن روش را در خاطر داشت به همان روش سلطان حیدر تاجی برید و صوفیان را مقدر کرد که هر کدام تاجی بدان نحو ساخته بر سر بگذارند و او را تاج حیدری نام نهادند. چون به لغت ترکی سرخ را قزل می گویند ، بدین سبب این طایفه علیّه به قزلباش اشتهاار یافتند.))¹

البته اینگونه داستان سازی و خواب سازیها را، همین نویسنده در (کتاب تاریخ جهان گشای خاقان)، در مورد شاه اسماعیل اول تکرار می کند . برخی دیگر بر این باورند، که کلاه قزلباشی به دستور اوزون حسن آق قویونلو شکل گرفت، اما اصح آن است، که این کلاه و تشکیل رسمی قزلباشان را مربوط به زمان شیخ حیدر بدانیم، همان گونه که منابع بیشتر بر روی شیخ حیدر تأکید دارند. با تأمل در منابع و مأخذی که به بحث درباره کلاه قزلباشان پرداخته اند ، به این نتیجه می رسیم که پیدایش این کلاه تلاشی بود، در جهت جداسازی پیروان دو فرقه تشیع و تسنن، که در حقیقت صوفیان با این تز و شیوه و مطرح کردن حکومت شیعی به قدرت رسیدند و سران صفوی ، به خوبی توانستند این جدایی را عمق بیشتری ببخشند.

نظام و سیستم قزلباش آنگونه شکل گرفته و نظم پیدا کرده بود که اتوماتیک وار خودش را ترمیم می کرد ؛ نویسنده گمنام عالم آرای صفوی ، ترمیم ارتش قزلباشان را این گونه توضیح می دهد: ((هر

1- تاریخ جهان گشای خاقان، 1364 مؤلف نامعلوم، به کوشش و مقدمه الله دتا مضطر ، اسلام آباد، ص 84

چند هزار کس، یک اویماق (اجاق) بودند و تمام با یکدیگر خویش و اقوام و بنی عم که در سر یکدیگر کشته می شدند، و هم را می پایدند که اگر شخصی (قوم) او را در جنگ می کشت یا از اقوام پسر او را به جای او نوکر می کردند یا برادر یا ابن عم. و اگر اقوام نزدیک نداشت از جانب پدر، اقوام مادری و اگر اقوام مادری نداشت، از طرف زن که داشتند²))

سیستمی که اینگونه شکل گرفته بود، همیشه آماده و سر زنده در خدمت مرشد کامل خویش بودند این توصیف مربوط به زمانی است که به دستور شاه اسماعیل، از حامل نامه ((عذرخواهانه سلطان حسین بایقرا استقبال می کنند)):

((چون چشم خواجه (حامل نامه) به فوج قزلباش افتاد، دید که قریب به یک فرسنگ زمین در زیر خیمه های اطلس و زربفت در آمده و در هر خیمه ای، سه چهار اسب بدو پاک عربی و بیاتی بسته و یک قطار شتر مایه خوابیده و یک مرکب با ساخت و زین زر، در هر خیمه ایستاده، که اگر از جانبی، سپاهی به عزم شبیخون و روزن خون بریزند، لشکر تمام سوار شوند و دوازده هزار قزلباش حاضر شده، سوار شوند.))

مورخ صفوی، سپس به وصف آرایش سربازان پرداخته و می نویسد:

((و تمام سپاه، تاج های رنگین بر سر و دستارهای اعلا در دور تاج پیچیده اند و طومارهای مرصع و ابلق های ته مرصع بند کرده، اکثر زربفت پوش و سمور پوش و تمام کمر خنجرهای قبضه مرصع و شمشیرهای قبضه مرصع...²))

این سرخ کلاهان صوفی مسلک شیعی مذهب بنابر باز بستگی به قبیله های خود به دسته های منقسم می شدند که هر یک رهبری به نام خلیفه و مجموعاً رئیسی با تعیین مرشد کامل داشتند با عنوان خلیفه الخلفا؛ که فرمانها و وصایای مرشد کامل را به همه آنان ابلاغ می نمود. این تقسیمات در همان حال که نظام طریقتی داشت، بصورت نظام ارتشی و جنگی هم محل استفاده بود.³

1- عالم آرای صفوی، 1350، نویسنده گمنام، به کوشش یدالله شکری، انتشارات اطلاعات، صفحه 198

2- همان، 1350 صفحه 197

2- صفا، ذبیح الله، 1369، تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات فردوس، صفحه 145

فهرست های موجود از ایلات حامی و پشتیبان و اولیه صفوی کامل نیست و کامل ترین آنها فهرستی است که دون ژوان ایرانی به دست داده است و در آن از سی دو خانه وار و ایل نام می برد، که در دست آنها قرار گرفت. ایل ها عبارتند از: استاجلو، از مهمترین، شاملو: موکلان و اولیاء امور عدالت، ترکمان: فرماندهان نظامی که با خاندان سلطنت نسبت سببی داشتند، بیات: ایلی که دون ژوان از آن برخاسته بود، نجیب ایلات، تکلو، ذوالقدر: با مردان بسیار دلیر، قاجار، افشار، روملو، قرامانلو، بایبورت لو، اسپرهلو، اورید، چائوشلو، آسایش لو اوغلی، چشمگرک لو، سیروز؟ قره بجقلو، بزچلو، قوین، قرقلو، برچلو، ماهی فقیهلو، حمزه لو، محمود لو، سلقو، قره چماقلو، قراقویونلو، کوسه بیزلو، پیکلو، اینالو و کوه گیلو.¹

ما در اینجا و در حد توان به شناسایی و معرفی و ایلاتی که قابلیت شناسایی را داشته باشند، می پردازیم:

استاجلو:

بر اساس تحقیقات معاصر این قبیله در اصل از قبایل ساکن در سیواس، آماسیه، توقات بودند که جمعیت بزرگتری بنام اولویوروک تا حوالی قیرشهر را مسکن خود کرده بودند. قسمت اعظم سپاه قزلباش را در ابتدای دولت صفوی همین قبیله تشکیل می دادند.²

((حضرت شاه عالمیان بعد از شش ماه که در اردبیل اقامت فرموده بود به صوب قراداغ و گوججه دنگیز روان شد. در آن دیار از طوایف مریدان و معتقدان صوفیه قدیم قریب هزار کس از استاجلو و شاملو و تکلو و رساق و روملو و ذوالقدر و افشار و قاجار و قراداغیان و غیر هم در ظل رایت همایون مجتمع شدند.))⁴

1- میرزا سمیع، تذکره الملوک، انتشارات امیرکبیر، به کوشش محمد دبیر سیاقی همراه با تعلیقات مینورسکی، 1368، ص 249 تا 257

2- سومر، فاروق، 1371، نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی، ترجمه احسان اشراقی و محمد تقی امامی، نشر گستر، صفحه 56

3- دریاچه ای بوده است با آب شیرین در ارمنستان

4- قباد الحسینی، خورشاه، 1379، تاریخ ایلچی نظامشاه، تصحیح دکتر محمدرضا نصیری و کوئچی هانه دا، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، صفحه 7

این اشاره خورشاه بن قباد الحسین و منابع دیگر عهد صفوی به ایل استاجلو و چند ایل اصلی دیگر و پیوستن آنها به اسماعیل میرزا صفوی پس از خروج و غیبت چند ساله او، نشان می‌دهد که در زمان سکوت حضور صفویان، ایلات قزلباش به صورت کوچ نشینی زندگی می‌کردند و ایلگه آنها به گفته نویسنده ایلچی نظامشاه قراداغ و گوگجه دنگیز بوده است.

دلیل نامیده شدن این طایفه به استاجلو این است که گویا این نام برگرفته از رئیس آنها "استاحاجی" بوده است. استاجلو در منابع متقدم به صورتهای مختلفی از جمله استجلو، استچلو، استاجلو و... آمده است.

((سارو پیره قورچی باشی، کپک سلطان استاجلو، قارینجه سلطان استاجلو، منتش سلطان استاجلو - برادر سارو پیره قورچی باشی و خضر آغا استاجلو - همانی که با دادن اسب خود به شاه اسماعیل او را از معرکه جنگ چالدران بیرون برده بود از بزرگان این قبیله بودند.¹))

شاملو:

در میان ترکان عثمانی، قبایل ترک نام ساکن حلب را شاملو می‌گفتند که در تابستان به بیلاق اوزون یاایلا- واقع در جنوب سیواس - و زمستانها را در قشلاق بین حلب و غازی عینتاب می‌گذرانیدند. شاملوها پیش از تشکیل دولت صفوی به همین نام مشهور بودند و بعد از مرگ شیخ جنید صفوی به خیل مریدان خاندان صفوی پیوستند.²

شاملوها پس از خروج اسماعیل میرزا و در پی تلاش او برای بدست گیری قدرت در ممالک محروسه ایران و به هنگام رفتن او برای گردآوری صوفیان قزلباش به ارمنستان و ارزنجان جزء آن دسته از طوایف قزلباش اصلی و مهم بودند. از شخصیتهای معروف این قبیله، می‌توان از حسین بیگ لله شاملو، زینل خان شاملو، عبدی بیگ و درویش خان که لله سام میرزا بود، نام برد.

1- سومر، فاروق، 1371، نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه حکومت صفوی، ترجمه احسان اشراقی و محمد تقی امامی، نشر گستر، ص 57

2- همان، ص 59

اینگونه به نظر می‌رسد که پیوستن شاملوها به خاندان صفوی در زمان سلطان جنید بوده باشد و آن زمان است که سلطان جنید برای یارگیری و تبلیغ به حلب رفته بود:

((آن حضرت [سلطان جنید] با جمعی از اربابان ارادت به طرف حلب رفت و بعد از چندگاه به دیار بکر آمد...¹))

ترکمان:

هنگامی که از طوایف اصلی و اولیه قزلباش یاد می‌شود، ذکری از ترکمانان موصللو در میان نیست و دلیل آن است که طایفه ترکمان پس از شکل‌گیری و استقرار حکومت صفوی است که به آنها می‌پیوندند.

نویسنده گمنام عالم آرای شاه اسماعیل، پیوستن ایل ترکمان به جمع طوایف قزلباش را به صورت مفصل و داستان وار در ذیل ماده ((ذکر فرستادن نواب کامیاب نورعلی خلیفه را به نیابت به جانب روم نزد صوفیان و بیعت گرفتن و تشریف آن حضرت به تبریز و دیار بکر و سوانحی که در آن ولا به منصب ظهور پیوست.²)) توضیح می‌دهد.

((... اما چون نورعلی خلیفه به روم رفته و خبر به صوفیان رسیده، قریب به ده هزار صوفی بر سر او جمع شدند.³))

چون نورعلی خلیفه به نزدیکی موصل رسید:

((به دورمیش خان فرمودند که شما از زبان خود دو کلمه به امیرخان⁴ بنویسید و او را نصیحت نموده شاید به درگاه همایون آمده، اطاعت نماید ... و اما امیرخان [ترکمان] در اضطراب افتاده هیچ گشادی در کار خود نمی‌دید الا اطاعت کردن.⁵))

1- قباد الحسینی، خورشاه، 1379، ص 2

2- عالم آرای شاه اسماعیل، 1384، تصحیح اصغر منتظر صاحب، انتشارات علمی فرهنگی، صفحه 188

3- همان، ص 188

4- امیر خان ترکمان، حاکم موصل و رئیس ایل ترکمان موصللو

5- همان، صفحه 191 و 190